



خیلواکی

استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

جمعه ۰۵ می ۲۰۲۳

روان شاد پوهاند عبدالحی حبیبی

## نگاهی به نامهای باستانی کابل

... پیوسته به گذشته

قسمت چهارم

آسمائی (اشامایی) = اشامایو :

شهر کابل بین دو کوه شیردروازه (جنوبی) و کوه آسمائی (شمالی) افتاده و حصار استواری را از گل بالای این دو کوه ساخته بودند. که بدوره دفاع قبل از استعمال سلاح آتشین تعلق داشت. و برای دفاع این شهر در عصر بابر و اخلاف او بکار می آمد. در سال هفتم سلطنت احمدشاه ابدالی سردار خانجان خان درانی حکمران کابل مطابق ضروریات مراتب نخستین استعمال سلاح ناری، آنرا ترمیم نمود که در تاریخ آن گفتند :

سال تاریخش چو جستم او خرد

شد معینم لطف او از کردگار

درفشان شد از سر اعزاز گفت :

همسری دارد بگردون این حصار

مصراع چهارم بحساب جمل ۱۱۶۶ میباشد و اگر ارزش ابجدی سر کلمه اعزاز بمعنی الف - ۱ را با آن بیفزائیم، سنه این بازسازی حصار کابل ۱۱۶۷ هـ ق است.

ازین حصار اکنون دیوارهای ضخیم گلی یا بر چهارتیرکش های استعمال توپ و تفنگ (اسلحه ناریه) بالای کوه شیردروازه جنوبی شهر باقی مانده، ولی بقایای آن که بر تیغه کوه آسمائی تا چهل سال قبل دیده می شد، اکنون زیرخانه های گلی که مردم بران ساختند از بین رفته است.

به هر صورت : کوه آسمائی که در دامنه شمالی آن روستایی بنام ده افغانان وجود دارد در مدت صد سال قبل بکلی از شهر کابل - که در دامنه شمالی کوه شیردروازه محدود بود، جدا بود، ولی در قرن

اخیر با وسعت شهر کابل، اکنون در بین ابنیه شهری داخل شاروالی کابل واقع گردیده است. در دامنه جنوبی این کوه يك معبد قدیم هندوان (دهرمسال) موجود است که شاید از زمان قدیم درینجا باقی مانده باشد و اهل هنود قدیم شهر کابل، این دامنه و معبد را مقدس شمرده و در آنجا در روز های معین، فراهم آبی و تقدیم نذور داشته اند و در اوایل فتوح اسلامی به سال ۴۴ هـ ق یکی از فضلی صحابه بصره او رفاعه تمیم عبدالله بن حارث عدوی در جنگ کابل به شهادت رسید (۳۱) و او را درین جبلین دفن کردن، که شاید همین مقبره شاه دوشمشیره یا آرامگاه شهدای صالحین باشد. درینجا مرا با تاریخ شهر و وجه تسمیه کابل و رویدادی که این شهر تاریخی دیده کاری نیست و آنرا مختصراً در سابق نوشتیم: در سطور آتی فقط پیرامون نام این کوه که چرا آسمانی نامیده شده پژوهش میکنم و حدس خود را مینویسم:

بر لوحه مکتبی که همشهریان هندوی ما بر جاده آسمانی متصل معبد قدیم خود می سازند نوشته اند: اشامایی سکول (؟) در حالیکه عامه مردم این کوه را آسمانی گویند و بنابراین املائی اشامایی مورد تأمل و به حدس من نزدیک به اصل است. گمان دارم که این نام مرکب از دو جزو اشا + مائی باشد که هر دو در تاریخ فکر و عقاید مردم آریائی باستانی ریشه های فرهنگی استوار دارد، بدین تفصیل:

(۱) اشا Asha:

در کیش زردشتی و فرهنگ قدیم هندی یعنی آریائیان شرقی و غربی یکسان جای دارد و به معنی سلوک درست (صراط مستقیم) مساویست با RITA سنسکریت که در فهرست عمومی کتب مقدس شرق تألیف M. Wintering پروفیسر زبان و نژاد شناس یونیورسیتی پراگ طبع اکسفورد ۱۹۰۱ همان ارده و همیشه = اردی بهشت پهلوی به معنی راستین بودن است که در کتب دینی قدیم آریایی کم و بیش متجسم گردیده و گاهی مانند موجود مقدسی پرستش می شود و اشا و همیشه – Asha Vahishta یکی از امشاسپندان (مراکلان) است که گاهی در عبادات خاص، سپاس او می آید و او را هومنو VOHO – MANO (بهمن) هم گویند (۳۲) و نیز طیفه راسنی اهورا مزداست، که زردشت در دعای اشم و هو باولماز می برد، (۳۳) و ده ها نام پارسایان و ارباب تقوا و رهبران دینی زردشتی به کلمه شاه آغاز میگردد (۳۴). و در ارت یشتم (هفتم) کرده ۲ بند ۶ آمده که اشا بخشنده چیزهای نیکوست (۳۵).

در روایات متأخر اوستایی اشا در ادعیه دینی در حالت های گوناگون گرامری به معنی پاکی در اندیشه و گفتار و کردار است و اشو کسی را گویند که پندار و گفتار و کردارش از کژی دور باشد اشون جمع اشو به معنی مقدسین SANITS لاتین است (۳۶).

در کیش و بقایای زردشتی اشا - اشو - اشویو به تفصیل بالا جنبه تقدس در خور سپاس دارد و باریتای سنسکریت وارده و همیشه اوستا = اردی بهشت پهلوی اشتراك معنوی و لفظی میرساند.

اکنون میرویم به سابقه این کلمه در آثار هندی آریائی :

در اوپانیشاد (کتاب دینی سنسکریت حدود قرن ۵ ق . م) اشا در لغت به معنی آرزوی نیافته و فضا و قسمتی از آسمان است (ص ۴۹۵) و در آن روایات دینی و عرفانی آمده، که مظهر آن زن واسو VAS – U دارای صفات عالی و نورانی بسیار خوبست و او از جمله ارباب انواع نورانی مرکب هشت گانه بمعنی ایزد زندگی و حیات و مال و روزیست. باشدیو نام پدر کرشنا از اخلاف ماه (۳۷). این آرزوی نیافته که مظهر آن يك زن مقدس است، در فلسفه اوپانیشاد مقام پرستش دارد و در ادهیا ۷ کهند ۱۴ میگوید : "گفت اشا از سمرن (یاد) بزرگتر است برای آنکه از آرزوی نیافته یاد قوی می شود، پس هر کس که چهار بید را خوانده عمل کند و دنیا و آخرت را می خواهد باید اشا را پرستش کند" (۳۸).

اما برخ دوم این نام مایی = مایو Mayo در اوستا غریزه خرد مقدس و احسان باشد (۳۹) و نام مادر بودا هم مایا Maya بود که پیش از تولد بودا مرد (۴۰).

ادامه دارد...